



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیرماه برای تیرماه برآورد می‌گردد و همراه با آن شماره می‌آید

شماره چهاردهم - دوشنبه هیجدهم مرداد ۱۳۰۰

* ایران، سرزمین شاه و پیشرفت و طبیعت زیبا

* در آمد سرانده ایران طی دهسال اخیر

بدو برابر افزایش یافته است

* آمیزه‌های از سنت‌های شرق با تکنولوژی غرب

از شماره مخصوص ایران، مجله اینستیتو

موقعیتی نادر
برای تجلی
اندیشه‌های تابناک

بسیار چیزها که امروز، دنیا به داشتن آنها میبالد، از کوروش بزرگ آغاز گشته است، کوروش، واضع استراتژی جنگ بود، و در میان سرداران بزرگ تاریخ، او را با هیچ یک از کسانی که پس از کوروش آمده‌اند، نمیتوان همسنگ قرارداد، این پایه گذار و آغازکننده، در آنچه آغاز کرد، از قرن‌ها نیز برتر بود، اما آنها که مولود فرزندها هستند، جای خود دارند.

از آنجایی که برای تحکیم مبانی صلح و دوستی و آرامش برپا شده است، با جامه پیکار استقبال نمیکنیم، بحث از کشودن سینه تاریخ است، سخن از آنست که بنیاد گذار شاهنشاهی ایران، حتی جنگ را نیز به معنای راستین آن در خدمت صلح قرارداد بود، و اگر جهانگشا و کشورگیر بود، این کار را برای بسط تمدن ایرانی، میکرد، برای ایجاد نظام، و در گروگان ساختن، تباها به پرخواست و قضاوت‌آمیز زمان میکرد، کوروش، سردار تامل بود، و با مهارت و بردگی اقوام میجنگید، با فقر می‌جنگید، با چنان قدرتی که خود را برتر از دیگر اقوام و ملل میدانست، می‌جنگید، او با جنگ می‌جنگید.

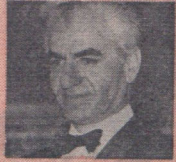
تاریخ چنین سرداری بخود ندیده است، او براساس واضع علم جنگ بود، و استراتژی جنگ را پایه گذاری بقیه در صفحه ۷

دست‌های حدایتگر و عظمت بار شاهان

هر دو چشم، که در کنار یکدیگر قرار گیرند، نیروی معادن توان خود، بردباری وارد میسازند. این دو چشم، در مجاورت هم، تاثیر از یک سری واکنش‌ها و کنش‌های فیزیکی، و نگاه شیمیایی هستند. آنان، از هم حرارت میگیرند، یکدیگر برودت پس میدهند، یکدیگر را جذب و گناه دفع میکنند و در فضایی که برآز وجود این قانون شکل میگیرد، آنکه توانی بیشتر و دو نتیجه نیروی بیشتر دارد، دیگری در مییابد و از دیدگاههای گونه‌گون در او، و برآز، و موثر می‌شود. فراموش، جسمی که در حالتی گداخته، در مجاورت جسمی سست دیگری قرار گیرد، از حرارت خود، در جسم مجاور، گرمی پدید میآورد و سردی او را میبرد بقیه در صفحه ۲

IRAN

I have always believed that Iran is destined to play a first-class and highly responsible role in the world of the future. We do not hesitate to adopt technological ideas from elsewhere which may be necessary for the progress of our society. At the same time I feel that people from other countries might benefit from first-hand experience of the philosophy of Iran. For this reason I am pleased that IRAC's magazine INCENTIVE is featuring Iran in the May 1971 issue, and I hope that some of its readers will be encouraged to come to see our country for themselves.



HIS IMPERIAL MAJESTY
MOHAMMAD REZA PAHLAVI AKAHSHAH
SHAHANSHAH OF IRAN



INCENTIVE

۶۵ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ایران، جشن تمدن جهانی است

۱۰۰ روز آرام و آسودگی

کولبار تجربه گرانهای داریوش

داریوش شاه گوید: من دوست نیکیام، من بدی را دوست ندارم. پسندین نیست که ناتوانی از توانایی زور بشود. و بار پسندین نیست که

تاریخ،
توجیه کننده
جشن
شاهنشاهی
ایران است

بقیه در صفحه ۷

روزنامه ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران

(۱۴)

۱۰۷-۷۷

بعدهای میلاد

بهار، با همه کوهانی، باغها را بشکوه می‌آراید و هسته‌ها، در حیات‌های رنگین، به‌زآفرینی میخواند. و در بهار، باغ میعادگاه، مرغان است و برندگان رنگین‌باز، غزل‌خوان. اما روزگار بهروز، دیری نمی‌بارد و سپاس زنگی‌بش، که می‌تواند آنرا به آرامش قیل‌زلفان تعبیر کرد، بانی فراموشی سرانجام زمستان دریاغ‌دشت دامن می‌کشد. و چون باغ و دشت، شوه، از بی‌رهای هستی و رنگین‌کمان‌های نور، برداشته شده، و پالیز، بربری را بر سر ساق، در باغ زاغ‌های شکم‌پاره، به‌همه جان می‌بارد، حقیقت به‌روز است در میانه، بهار، هرگز جاودانه نیست و بهاری سرانجام به‌پالیز پیونده می‌بخورد. اما بازم به‌بهار از راه می‌رسد.

و چنین بود که بهار، رویه‌مژگ میرفت و چون بلاش اول، شاه دادگر و مهربان‌چشم از زندگی فرویست، دیگر آنچه بر ایران‌زمین سایه گسترده بود، بهار نبود. پالیز بود و بلاش‌های تنی خندان ایران او، چون یادکردم و نیز اردوان چهارم چشم‌نخبش و شکوه خاندان پارت و به‌مخاطب افتاد ایران‌زمین و چشم انتظار شاهی بلندمرتبه و سرداری دلور بود.

۱۰۷

بعدهای میلاد

ساخته بود گمان می‌برد که می‌تواند هنوز در جاده‌های دوازده آندیشه منحرف اسکندر مقدونی باشد و این بندهار خام، برانده‌شاه غلبه بود و اول لحظه‌ای از آن نمی‌آورد. در این حال، «میان (لاک‌دارس) پادشاه ارمنستان در روز اختلاف افتاد و از آنجا، به‌این پهنه به‌سیاسی ناخت. او را قسارت و سبقت‌گیری، و در همین پیمان‌شکنی (پارت‌پارس‌ها) را کشت و پارس را، و خصمت و منشی یله خود را نمود ولی در ایران، «سکون بود. (تراژدی) از فرات و بین‌النهرین گشتش و تیغ‌توانا و اربیل و گومل‌گولفت و بریسفون دست‌یافت ولی، چندی‌بعد، ترسان و روی‌آموار، از نیل حادته، «جان‌نبردید و بی‌روم گریخت.

پادشاه آن سرزمین را، که دست‌نشانده رویه‌ها بود و اورا (سواموس) می‌نامیدند، از آنجا برانند.

این حادته، و این بی‌روزی را یرومیان، به‌تأیید و واژوسی دیگر حاکم‌کادوسی، «که خرافانی بود و دل به سخنان باطل دروغ‌گویی خوش داشته بود، باسیاهی بظرف ارمنستان ناخت. اما جلال میان سیاه یازمی، به‌سرداری خسرو سوسیه‌ها و به بی‌روزی سیاهی‌اندر ایران‌زمین انجامید (سوربا‌نوس) حاکم‌خاطم «ساده» (سایه‌ان) «جام راه فرار» در پیش گرفت اما بار دیگر اورا در یافتند و او، جام مرگ را نوشید.

۱۶۲

بعدهای میلاد

پالاش سوم درفش‌ت و پسر او، «بلاش چهارم، ادامه دهنده راه پدر گزیده‌بود و پرتیغ پهریبری پالاش سوم، در این زمان میان (سواموس) جانشین ساریز شد و دست به‌قتل و فرار و ویرانی زد ولی سیاه ایران آنرا در بندگی دادند و آشنام و سوره تعقیباتی کردند در همین حال «ناهان، در بابل، بجزای طایفون مادگیگزی قسطنطنیه از سیاه خود شد، و آنان را به‌بندگی گرفتند و با او باقی ماند و از آنجا به‌میان شرق، صلح افتاد. روزگار سکون، فرارسید بود.

۱۹۱

بعدهای میلاد

پالاش سوم درفش‌ت و پسر او، «بلاش چهارم، ادامه دهنده راه پدر گزیده‌بود و پرتیغ پهریبری پالاش سوم، در این زمان میان (سواموس) جانشین ساریز شد و دست به‌قتل و فرار و ویرانی زد ولی سیاه ایران آنرا در بندگی دادند و آشنام و سوره تعقیباتی کردند در همین حال «ناهان، در بابل، بجزای طایفون مادگیگزی قسطنطنیه از سیاه خود شد، و آنان را به‌بندگی گرفتند و با او باقی ماند و از آنجا به‌میان شرق، صلح افتاد. روزگار سکون، فرارسید بود.

پالاش سوم درفش‌ت و پسر او، «بلاش چهارم، ادامه دهنده راه پدر گزیده‌بود و پرتیغ پهریبری پالاش سوم، در این زمان میان (سواموس) جانشین ساریز شد و دست به‌قتل و فرار و ویرانی زد ولی سیاه ایران آنرا در بندگی دادند و آشنام و سوره تعقیباتی کردند در همین حال «ناهان، در بابل، بجزای طایفون مادگیگزی قسطنطنیه از سیاه خود شد، و آنان را به‌بندگی گرفتند و با او باقی ماند و از آنجا به‌میان شرق، صلح افتاد. روزگار سکون، فرارسید بود.

پالاش سوم درفش‌ت و پسر او، «بلاش چهارم، ادامه دهنده راه پدر گزیده‌بود و پرتیغ پهریبری پالاش سوم، در این زمان میان (سواموس) جانشین ساریز شد و دست به‌قتل و فرار و ویرانی زد ولی سیاه ایران آنرا در بندگی دادند و آشنام و سوره تعقیباتی کردند در همین حال «ناهان، در بابل، بجزای طایفون مادگیگزی قسطنطنیه از سیاه خود شد، و آنان را به‌بندگی گرفتند و با او باقی ماند و از آنجا به‌میان شرق، صلح افتاد. روزگار سکون، فرارسید بود.

زوزه‌ه‌انگاز، از سوی امروماندا، جنان اورا هاسان‌ترکه امپراطور خاطم، خود را ازینچه بزرگ‌تر انداخت و باجراحتی که دیده بود، فرار کرد. او قیل‌زلف، براه فرار از دیریش گزیده شد و در میان ساه او، و مردم سرزمین‌هایی که دچار بی‌روزی او شده بودند ویرا و شوره‌ها بودند، «درگفته، حقاقت کسرت را تحمل کرد. و سرانجام آخرین شکست را پس‌از مردم وززله، «طایفون بر او وارد آورد و او را تا روم دنبال کرد.

۱۶۲

بعدهای میلاد

میان خسرو، شاه ایران و پسر یاکردوم، «با (هادرین) جانشین (ازان) ناکام، «در مرز، «بدریاری رخ داد و طرفین پیمان صلح منعقد کردند و در میان (ارمنستان) و بین‌النهرین دست‌کشیدند. هراچ زمان شاه ایران، «باسیاهی مردان پارتی به‌تیسفون درآمده و سرزمین میان دجله را، «و شوش، «زیر فرمان گرفته بود.

۱۶۳

بعدهای میلاد

خسرو، با اشک بیست‌چهارم، «درگفتش و پالاش دوم، شاه ایران، «در این حال خواندنی در شرف تکوین بود (فرسین) حاکم گرجستان «که از (هادرین) «با (هادرین) امپراطور روم نرسیده بود، به‌تحریر که آنها پرتیغ و تاشق را برای ناخوشی بود، به‌مقصد حکومت ایران و نیز روم، «آنها کرد. البته، به‌سه آذربایجان و ارمنستان ریخته و دست به‌مبارت و قتل کشودند. اما تعبیر شاه، «انترای با‌مبارت‌ت خواند.

۱۹۴

بعدهای میلاد

پالاش سوم، «پسر پالاش دوم، «بعدهای گزشت شاهانه از سکنهای است که برای قشور برچسته هستند. ولی برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.

کوکچ است. برای نخستین بار در شوش تمام زینت حمل اقامت در داریوش شوش کاشته است که برای حفظ سنت‌های قدیم هرمنند هیچ وقت نتوانستند است خود را از یک تارویی خلاص کنند. «پایین حال هنرستگاری هر روز ظریفش میشود. احاطه‌اند، می‌شود که سکنگاری آن‌تنی نام مختصر تاریخی در نقوش برچسته شوش کاشته باشد. «حرکت ملیح خدمتگاری که پتاق مرغابی‌ت را در دست گرفته و تمایل به‌روح دادن به چنین لی‌ها که زیر آن باد افتاده یا چنین خورده و بوزه شیر غران که کاملاً از روی طبیعت نقش شده و کار برین فن مخصوص سکنگاری که نقوش برچسته سولی است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد. البته این موضوع که هر یک از نقوش برچسته تاچه اندازه از هنرهای دیگر اقتباس کرده است، هنوز کاملاً واضح نیست ولی اگر به کتیبه داریوش مراجعه کنیم متوجه خواهیم شد که یونانی‌های آسیای کوچک در کاشته‌اند تمام امور هنرهای سنها و پایه‌ها و سرسنت‌ها پدیدانند.



سنگ تراشیدنی از سکنگاری سولیا است که در یونان جاری بوده و مکن است از آنجا پسران راه یافته باشد.

خصوصیات از نقوش کاخهای کاخ‌خامنی

در قرن پنجم پیش از میلاد، «کاخ بسیار کوچک در کوه چنوبی شهر بنادک «دیورلاوا» آنجا دیده می‌شود و مورد کوه است که محل اقامت شاهان آسیای کوچک است. ولی چند کتیبه و نشانه‌های دیگر حاکی از این است که در این «دوره» اردشیر اول و داریوش دوم تالار ستون دار کوچکی بنا نمودند که جای آهانا را گرفت و این تالار پذیرایی یا میهمان‌سرا نیز در کنار اتاقهای مسکونی پادشاه قرار داشت. تمام قطعات سنگ‌هایی که نقش برچسته دارند و در شوش پیدا شده مربوط به این کاخ

روی دیوارهای پلکانی که جلوی کاخ بود نقش دیگری به چشم می‌خورد، در آنجا نیز مانند تخت جمشید، خدمتگاران دیده می‌شوند که با پالا می‌روند و بر سر درخت دارند که باید کباب شوند و غذاهای پخته در شقیقه‌های برینند، «که روی آن سربو ش های قرار داده شده است تا سربو نند.

کاخ شوش پس از آتش سوزی مدتی برای سکونت مورد استفاده واقع نشده ولی پایتختی به اهمیت شوش نوساز است از اقامت‌شاهانه بد آن محروم باشد. علا دردیج

دست‌های حمایتگر و عطف‌تبار شاهان

بغیة از صفه ۱
۱ - مجازات زخم زدن به‌سایه
۱۰ - تکه‌سی به‌اشافه
خرج معالجه

۲ - خسرویی، که براتی‌شربت
۳ - آستوانی در بند حیوان
۷۰۰ - تکه‌سی

۴ - گزیده داشتن زن و عهده
۵۰۰ - تکه‌سی

۶ - کشتن عمومی حیوان
۷۰۰ - تکه‌سی

۸ - سرودهای مذهبی نیز، «آثار حیوانات که نشانگر توبه‌محبت می‌باشند است به چشم می‌آید. «سپه‌های یکی از سرودها چنین بود: «اسپه‌های یکی و وان کار افتادند، «نماید. از آنها برستانی کشید «تلاش از دست رفته‌ها باز یابند» «ویزورترین‌ده‌ده‌گوشی و شاه‌بزرگ «به نیکی‌گفت و بافرماندها که به گونه‌های کثرت خود را فراموش‌نند، «که اسب بود.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

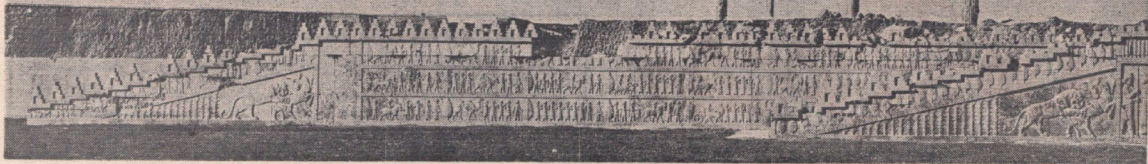
این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

این نمایشگر توجه‌نامه ایرانی به معنیت است، در زمانی که بر سر اسر سرزمین‌های دیگر، اهریمن غارت مرگ و پیداد، «سایه گسترده بود و این خصیت نیکی امروز هم، «آدمه دارد. امروز، «به پیروی از منش شاهان خود، «نه تنها دست خود را به‌تازگی کشی و به آزار موجب دیگری هم نمی‌کشاید. «و هوارده» در «جایگاه استیلا خود یا دیدگان احترام به حقوق همه استیلاها می‌گردد و در برابر پیداده‌ها دست و دوا می‌دهد. «در تیرانه می‌آید و دست‌های عطف و مهر می‌دهد. «توجه‌های گسترده که متن حیوانات هم در حمایت از قرار می‌گیرند و سازمان برای نظارت بر این امر می‌باشد. «این خصیت‌های است که ایران به «مهری شاه خود و پیمان دست‌باز کرده و یادداشت آن در خود می‌آید.

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم



روایات ناکام

وقصه گونه

هرودوت

درباره لشکرکشی

داریوش به

سرزمین سکاها

زرعتی خواهی یافت و نه شهری، پس بگذر این پل باقی بماند و محافظان آنرا از کسانی قرار ده، که آنرا ساخته اند، اگر به سکاها رسیده با بهرمندی کار را انجام دادیم، راه برسیم، راه بازگشت، تامین شده است، من از آن نترسم که سکاها، با ما شگست دهند، بیم آن دارم، که آنها را تباہیم و راه گم کرده دچار آسیب‌هایی بزرگ شویم، این پیشنهاد من نه برای فائده شخصی است، و نه برای اینکه اینجا بمانم، بلکه بنظر من صلاح شاه است، داریوش را این سخن بسیار خوش آمد و در جواب گفت: ای لایسی مهربان، زمانی که من سالم برگشتم، البته نزد من ای، تا پادشای تو آنچه سابق رایج به‌پل گفته بودم، نسخ می‌کنم این تسهرا بگیریم، و از روزی که من داخل سکاگیه می‌شوم، روزی یک گره باز کنید، اگر پس از انقضا این مدت من برگشتم، پل را خراب و به سرزمین‌های خود بازگردید، و لسی تا آن زمان کوشش کنید پل سالم بماند، داریوش این گفت و در حال حرکت کرد.

(هرودوت - کتاب چهارم - بند ۹۸ به بعد)

هرودوت در اینجا به‌وصف سرزمین سکاگیه اروپا که به‌وقت صدوی سده پیش در صدوی سده است می‌پردازد و وحشت سکاها از لشکرکشی داریوش و چاره‌جویی آنها نترس همسایه‌ها، و وصف همسایگان سکاها، که حاضر به همکاری با آنها برای جنگ با سکاها داریوش نمی‌شوند، و در وصف مجلس مشاوره آنها می‌نویسد:

وقتی که داریوش در تهیه سفر جنگی به مملکت سکاها بود، به اطراف مامور فرستاده پادشاهوار میخواست، و در بسفورترکیه پل می‌خواستند، و آرتابیان (اردوان) پسر هیستاسب، و برادر داریوش باو گفت به مملکت سکاها مرو، چه آنها قزینند، ولی داریوش حرف‌اورا نشنید و همینکه تدارکات او تکمیل شد، از شوش حرکت کرد، در این احوال یک نفر پارسی « ایوباز » نام از داریوش خواستار شد یکی از سه سپاه را با خود نبرد، زسیار آن پارسی این سپرا خیلی دوست میداشت، داریوش در جواب گفت خواهش تو چیست زاید نیست و مره سپرت خواهند ماند، « ای یوباز » خرسندند، چه پنداشت که داریوش، مره سپر اورا از خدمت نظامی معاف داشته، ولی بزودی دریافت، که اشتباه کرده و مقصود داریوش این بوده، که جسد آنها بماند زسیار برای حکم داریوش، هر سپر « ای یوباز » را اعدام کردند.

(هرودوت کتاب چهارم - بند ۸۳ به بعد)

سپس هرودوت به بحث از مسیر سیاه داریوش و وضع و حال اقوام مسیر، که بفرمان داریوش شاه درآمدند و به سیاه وی پیوستند، می‌پردازد و پلی که بر رود « ایستر » برای عبور سیاه داریوش شاه بسته شده بود، و بنیانها، ازپل خراست می‌کردند، و می‌نویسد:

داریوش به « ایستر » رسیده از آن عبور کرد و به بنیانها گفت پل را خراب کرده با سیاه جبری دنبال من بیایید، وقتی که میخواستند پل را خراب کنند « کواس » زاکاندر، به داریوش گفت: شاه، تو می‌خواهی داخل مملکتی شوی که در آن نه

(هرودوت - کتاب چهارم - بند ۱۱۹)
از اینجا هرودوت به بحث در باره شوش جنگی سکاها می‌پردازد و تصویری از آن باست میدهد که گویی سالی نبرد، ادامه یافته است، و می‌کوشد، با وجود آسیب‌پذیری سکاها که در همین گزارش نیز بخوبی بچشم می‌آید، سیمای باستوه آمده داریوش شاه و سپاهش را تصویر کند، اما چه ناکام و قهقهه گوید:

بالاخره داریوش در موقع مشکلی واقع شد، چه آذوقه کم آمد، پادشاهان سکاگی این نکته را دریافتند و برای داریوش شاه هدایایی فرستادند که عبارت بود از یک برنده، و یک موش، یک وزغ، و پنج تیر، پارسی معنای این هدایا را پرسیدند و زسولان جواب دادند، ما فقط ماموریم، هدایا را داده برگردیم، اگر شما زیرکید، خودتان معنی هدایا را دریابید.

پارسی‌ها پس از آن شور کردند، داریوش را عقیده این بود که سکاها با آب و خاک تسلیم می‌شوند چموش در خاک زندگی کند و وزغ در آب، برنده به اسب از هم‌چیز شبیه تر است و پنج تیر علامت این است که سکاها شجاعت خودشان را هم تسلیم می‌کنند، ولی « گوریاس » تعبیر دیگر کرد و گفت سکاها می‌خواهند بگویند: پارسی‌ها، اگر نتوانید چون برنده برید، مانند موش بزمین برید و مثل وزغ در دریاچه‌ها بجهد بخانه‌های خودتان برنخورد، و از تیرهای ما خلاصی نخواهید داشت، در این احوال قسمتی از سکاها، که مامور حفظ دریاچه « مهابند » بودند و بعد ماموریت داشتند بنیانها، یعنی حافظان پل، داخل مذاکرات شوند به‌پل رسیده چنین گفتند:

« بنیانها، اگر حاضرید حرف مارا گوش کنید، ما آزادی برای شما آورده‌ایم، داریوش بشما امر کرده پل را در مدت مومام حفظ کنید، اگر او در این مدت برگشت، بخانه‌های خودتان برگردید، اگر اکنون چنین کنید، نه پیش او مقرر خواهد بود و نه پیش ما، در این مدت من را ببانید و بعد بوطن خود برگردید، بنیانها وعده کردند که چنین کنند و سکاها فوری برگشته، از طرف دیگر سکاهاگی، که در مملکت خودشان مانده بودند، پس از فرستادن هدایا پیاده و سوارهای خود را برای جنگ با داریوش حاضر کردند، در این احوال از میان صفوف آنها خرگوشی کوچک داریوش دیدند، همه غوغا توجه داریوش را جلب کرد، و پس از اینکه جهت را فهمید، روی به مصاحبان خود کرده چنین گفت: « این مردم بسا با نظر بی‌اهمیتی می‌نگردن و اکنون برای من روشن شد که تعبیر گوریاس صحیح است، بنابراین باید خوب فکر کرد که راه بازگشت خود را چگونه تامین کنیم؟ » گوریاس گفت: « شاه! فکر این مردمان من سابق هم شنیده بودم و حالا در این باب یقین حاصل کردم، چه می‌کنیم که مارا دستمیر اندازند، تصور می‌کنم چنین کنیم: همین که شب رسد، آتش‌ها را روشن کرده و آن قسمت لشکرا که کمتر از ما هستند می‌توانند تحمل سختی کنند، در محل گذارده تمام خرها را بنشیند و زود حرکت کرده به « ایستر » برسیم، قبل از اینکه سکاها برای خراب کردن پل باین رود رسیده، و بنیانها مبارزه با کاری کرده باشند، که فتای ما در آست.»

داریوش همین که شب در رسیدی موافق این عقیده رفتار کرده ضمناً را از جهت ضعف آنها و بعد بهارده آنان ندیده شنیده ولی ما هیچگاه پارسی‌ها را آزار نکرده‌ایم و حالاً هم جنگی با ما نداریم.

روز دیگر ایرانی‌های ضعیف چون دیدند آنها را بخودشان و گذارده‌اند دستهای خود را به طرف سکاها دراز کرده امان خواسته‌اند، و سکاها از قضیه آگاه شده به‌تعمیق قشون داریوش پرداختند و چون بهتر از پارسی‌ها راه‌ها را بلد بودند از راه نزدیک حرکت کردند و بی آنکه مدتی که برای شن معین شده بود پس آمد، حالا

پل را خراب کرده و به وطن خودتان برگردید و از آزادی خود برخوردار گشته خدایان سکاگی را شکر کنید، و آنکس که آقای شما بود، حالا دیگر از دست ما جان بدر نبرد، بنیانها، مجلسی برای مشورت آراستند، میل تباد رئیس دسته خرسونی را در هلر بیوت واقع است عقیده داشت موقوف نظر سکاها رفتار شود، و ابتدا بنیانها این عقیده را پسندید ولی هیچ‌تیه، که یکی از حکام بود گفت ما اگر حالا هر یک امیر شهری هستیم از پرسو داریوش است والا در هر قسمتی از یونان حکومت می‌سیرا، بنابراین هرکومت یکفرج ترجیح می‌دهند، ما سکاها اگر داریوش نابود شود، بزیمان ما خواهد بود، این سخنان، حاضران را در باهیس تیه همراه کرد، شستن از حکام هلس بوت و چهارتن از حکام بنیانی و یکی از امیران (ائورالیانی) که حاضر بودند رای دادند، و مانند وپل را خراب نکنند، ولی باین شرط: قسمتی از پل را خراب ساحل سکاگی اتصال دارد، با کاپیتوس، با دو هفت خراب کنند: ۱: سکاها بیستدنیونانی‌ها موافق میل آن‌ها رفتار کردند و برای این کار به زور متوسل نشوند، ۲: به این سوی ایستر تجاوز نکنند، و همین تیه به سکاها جواب‌داد ما چنانکه شما می‌خواهید خواهیم کرد. و خودتان می‌بینید که یک قسمت پل خراب شده است، حالا زودتر گردید و پارسی‌ها را بسود کرد و انتقام خود و امرا از آن‌ها کشید، سکاها خردهای هیسی را با نور کرد برای حمله به پارسی‌ها شتافتند، و آن‌ها را نیافتند، چه سیاه پارسی راهی اختیار کرده بود که سکاها مرا تیر خراب کرده بودند، و سکاها از راهی حرکت می‌کردند که مرتع داشت، پارسی‌ها

از آن‌ها رو انتخاب کردند که آتازی خواهند داد، همین که پارسی‌ها به ایستر رسیده پل را از طرف ساحل خراب شده دیدند متوحش شدند چه تصور کردند بنیانها رفتند.

در سیاه داریوش یک مصری بود که صدای ساز داشت، و فرمان داریوش کنار ایسترفته جیسی تیه امیر میلترا صدکار او در حال خواب داده کشتی‌ها را برای عبور داریوش و سیاهست آماده کرده، پل را به ساحل رها و در امتداد داد بدین ترتیب سیاه پارسی نجات یافت.

از سوی دیگر سکاها در جستجوی پارسی‌ها بودند و آنها را نیافتند و بعد که ما ماجرا آگاه شدند این عقیده را در باره بنیانها پیدا کردند که: بنیانها اگر آزاد باشند، ترس‌های سستی هستند، و اگر بنظر پندگان آنها نگاه کنیم خائن‌ترین مردمند، و می‌خواهند که همیشه بنده بمانند.

(هرودوت کتاب چهارم - بند ۱۲۸ به بعد)
اینست قصه‌هایی که هرودوت سرهم کرده است، اما چرا؟ پیش از آنکه چرا مطرح شود باید این قصه‌های سرهم شده را از شکاف، و ما چنین می‌بینیم.

سرود ویژه جشن

یکی از برنامه های که در جشن شاهنشاهی ایران اجرای آن بعهده وزارت فرهنگ و هنر گذارند، تهیه سرودی بود که باید ویژه جشن ساخته میشد تا در مراسم گوناگون جشن خوانده شود.

وزارت فرهنگ و هنر برای تهیه این سرود، آهنگ آرا سیاقه گذارد و طی چند نوبت آهنگی در روزنامهها از همه اهنگسازان درخواست کرد تا با توجه با اینکه ملودی سرود روان و مهیج و دارای خصوصیات موسیقی ملی ایران باشد در این مایه شرکت کنند.

در این مایه ۶۰ نفر از اهنگسازان شرکت کردند که آهنگهای آنان در شورای موسیقی کشور مورد بررسی قرار گرفت و از آن میان ۲۵ آهنگ تصویب رسید. این ۲۵ آهنگ مجدداً در کمیسیون دیگری که هیئتک از اعضای آن در مایه تهیه آهنگ سرود شرکت نداشتند تحت مطالعه قرار گرفت که در مرحله اول ۴ آهنگ و در مرحله دوم آهنگهای اول، دوم و سوم انتخاب شد و آهنگ اول آن برای سرود ویژه اختصاص یافت.

پانزدهمین آهنگ سرود ویژه مرحله شعر گزاری بر روی آن آغاز گشت و از میان شانزدهی که شاعران برای این آهنگ ساخته بودند ۱۶ قطعه آن مورد توجه و بررسی قرار گرفت که بازم در مرحله اول از میان آنها ۶ متن و در مرحله دوم یک متن سرود برگزیده شد. باین ترتیب آهنگ شعر سرود ویژه مورد تصویب قرار گرفت و توسط ارکستر سنتونیک تهران و کر تهران ضبط شد.

سرود و جشن شاهنشاهی ایران بزودی در ۵۰ هزار صفحه ضبط شد و در تمام واحدهای موزیک توزیع خواهد شد. و با اعزام هزارموزان وزارت فرهنگ و هنر به شهرستانها بنمایش آوزمان سراسر کشور تعلیم داده میشود. علاوه بر این در جشن ورزشی که در محل استادیوم آرپامهر برگزار میشود توسط ده هزار تن دختر و پسر خواننده میشود و همچنین به هزارها خانم دختر و پسر در مراسم تختچشید آرا اجرا خواهند کرد.

وزارت فرهنگ و هنر علاوه بر تهیه سرود ویژه، ۸ سرود چینی را در ۴۰ هزار صفحه ضبط و در بین دانشکده، مدرسه و عالی کشور، دبیرستانها، دبستانها، مساجد، انجمنها، پیشانگهان، جمعیت جوانان شیر و خورشید سرخ توزیع کرده است.

این سرودها که بیشترشان بهاسبب جشنهای شاهنشاهی تهیه و برای اولین بار بصورت صفحه درآمده است توسط گروه کر هنرموزان سرود و موسیقی اجرا شده و عیارتوسط پاینده نام، برجسم نیروی پایداری - معلم - شهربار دایلا - ای ایران - پایدار ایران - فرهنگ.

سرود ویژه جشن شاهنشاهی

آید از کاخ شاهنشاهان نغمه صلح عالم بگوش بشنود ای ایران جهان بشنود این عالم سزونی وقتی از سنگران نیزه هرگز آید بود

مشور آزادی بود بشر در جشن زمان
خوش شایان کوشش از سرزمین ما داده بر جهان
که جشن با شکوه ما نام او بود
که شد عیان فروغ آن صبح روشن از ایران

میرود کاروان زمان در ره یکران با شتاب
هرچه تن دران کاروان ما رومض از ره انقلاب
آن رهی که هر سیه راه رفته بر پناه آن
خدمت بشر بود گوش سپاه آن

رخشده است زر کون از هر زمان روزگار ما
از آریامهر ما باشد اینهمه افتخار ما
ز فر تو بود ثنا سعادت و وفای ما
بفرهی تهنیتی بر تو جاویدان یسار ما

آهنگ از: یوسف یوسفزاده
متن سرود از: دکتر تیرسیما



ترمیم آثار باستانی تخت جمشید، پاسارگاد و نقش رستم

۱۳ - کاخ معروف به خرمنرا که درموقع خرابیهای اولیه تحت جسدیه بازسازی شده بود و بمعمل ترمیم تختچشید را تشکیل میداد نیز ترمیم و ترمیم گردیده است

۸ - درشمال حیاط کاخ صد ستون، دروازه نانامی از عهد هخامنشیان ابقمانده است که بعضی از قطعات سنگ آن ریخته بود که این قسمت نیز ترمیم شد. در دروازه خنیاپناه که در یکی از درازای چهار ستون بوده است اصل کاخ ستونها که قطعات آن موجود بود بجای خود نصب شد.

پاسارگاد

مهمترین تمیراتی که تاکنون در آثار باستانی پاسارگاد بعمل آمده عبارت است از:

۱ - قسمتی از سنگهای بنائی که بنام زندان سلیمان معروف است و ضیاعت تامی به کعبه زرتشت در نقش رستم بازدر پروژرتان ترمیم شده است.

۲ - چاهی خود بسج شد و بدنبوسله از فرو ریختن بیتیسه جلوگیری بعمل آمد.

۳ - قیرگاهی که در محوطه اطراف کاخ قبر گوروش موجود بود و نیز سنگهای آمانی که از کاشیهای دیگر به آن قطعه منتقل شده بود، همگی جمع آوری شده است.

نقش رستم

تعمیرات معروف کعبه زرتشت واقع در نقش رستم اقدامات ترمیمی انجام گرفته است.

۷ - درایوان شمالی این کاخ (مستون) یکی از محسمه های گاو که سرنگون شده بود بجای خود نصب شد.

۸ - درشمال حیاط کاخ صد ستون، دروازه نانامی از عهد هخامنشیان ابقمانده است که بعضی از قطعات سنگ آن ریخته بود که این قسمت نیز ترمیم شد. در دروازه خنیاپناه که در یکی از درازای چهار ستون بوده است اصل کاخ ستونها که قطعات آن موجود بود بجای خود نصب شد.

۹ - سنگهای بعضی از قسمت های پلکان بزرگ ورودی تخت چشید با گذشت زمان شکسته و از بین رفته بود مخصوصاً در پلکان غربی که تا بحال قسمتی از این پلکان ترمیم شده است.

۱۱ - بسیاری از سنگهای بزرگ سنگی مقابل آرامگاه اردشیر (دوم) یا سوس که در غرب کوه رحمت قرار دارد فرو ریخته بود. این سنگها نیز جمع آوری و بجای خود نصب شده است.

۱۲ - در ترمیمه چشید در محوطه پای چرزهای صفه مخصوصاً در جنوب و جنوب غربی تعدادی از مجاری سنگی که متعلق به لب میباشند باقی پند شد که پس از تعمیرات لازم درجای خود قرار گرفت.

۳ - در اعصاب تاریخی بعد از اسلام چند درگاه از کاخ نامریده دریلا، به قطعی نام قصر یا بوسه در چندت کیلومتری شرقی شیراز انتقال یافته بود و در دوره اسلامی عمارتی از آن ساخته شده بود. بعد از آمارگیری های دقیق که بعمل آمد معلوم شد که این چند سنگ متعلق به کاخ تهر است. بنابراین آنها را بمحل مربوط نقل کردند و در مکان خود قرار دادند.

۴ - چون یکی از قطعاتی که نقش سنگی تخت چشید را تهدید میکند نفوذ آب در آنها و در نتیجه منقسم شدن سنگها است. برای جلوگیری از این خرابیها بوسه هر خطه چهار جبهه ای نظیر پلکان شرقی کاخ آریامهر، پشت سنگهای این پلکان برپایه علی علی کاریشده است تا از نفوذ آب بداخل سنگ جلوگیری شود.

۵ - در طول اعصاب ستونهای دریلان شرقی آریامهر کتک و فرو ریخته بود. بنابراین همگام تعمیرات، باقیمانده قطعات ستونها را آتاجانی که مقصور بوده است، برهمه جوار کرده اند و بوسیله سیمون یاقستی از آن که بوجود آمده است بجای خود نصب کرده اند.

۶ - در کتک شدن بعضی از سردرها کتک برداشتی بود و سنگهای بالای آنها آفتاده بود. سنگهای شکسته ترمیم شد و قسمت های فرو رفته بجای خود قرار گرفت.

از چندین پیش بنظور ترمیم و بازسازی آثار باستانی ایران که در چندین سال اخیر انجام گرفته است، میباشان جشن قرار خواهند گرفت. از طرف اداره کل پستانشناسی وزارت فرهنگ و هنر گوشه هایی از آستانه جشن شاهنشاهی، به اوج خود رسیده است. در اوایل سال ۱۳۴۶ گروهی از کارشناسان ایتالیایی و ایرانی، اقدامات وسیعی را برای تعمیر آثار باستانی تخت چشید و نقش رستم و پاسارگاد آغاز کردند که هنوز هم ادامه دارد.

این کارشناسان برای امر تعمیر آثار باستانی از تمام مدارک موجود بنظور شکل دادن به قسمت های خراب با توجه بهره جستن. همچنین با گوشها و حجت وجوهی افراوان، قطعه سنگهای فرو ریخته و شکسته آثار باستانی را از نقاط مختلف گردآوری کردند و تا جایی که مقصور بود، آنها را در جای اصلی خود قرار دادند. هر چاهی هم که ترمیمی لازم بود، بدون توجه به نوازی از سنگهای مجلی استفا. عملی شد. این اقدامات را، بدینگونه میتوان تقسیم کرد:

تخت چشید

۱ - نصب جز کتک کعبه داری شرقی ایوان جنوبی کاخ اختصاصی در کاخ (تخر).

۲ - نصب چند سردر فرو رفته از کاخ مذکور دریلا.

دانش کافی داشته به کشف و ساختن سازه های اصیل ایرانیستی پرداخت. کوشش برای که در نتیجه این کوشش در کارگاه ساز سازی وزارت فرهنگ و هنر برای رژه سوزگد تخت جمشید ساخته شده میشود بدینگونه معرفی میشود.

سرنای

سرنای است که برای نخستین بار پس از حدود دوهزارو پانصد سال بار سازی میشود. این ساز ده سال پیش در حالی که کاملاً اکتید شده بود درگراش های تخت چشید بیست آمد و اکنون درموسسه تخت چشید نگهداری میشود.

طول آن ۱۲۰ سانتی متر، قطر دهانه ۸ سانتی متر، قطر لوله سانی متر، طول سانی متر، گزای آن این ساز سه نوع ساخته میشود که عبارتند از: گزای فارسی که نغمه فلزی بوده و اکنون متداول و مورد استفاده نوازندگان است. طول ۷۸ سانتی متر، قطر دهانه ۱۶ سانتی متر. این ساز بیشتر

در کارگاه ساز سازی وزارت فرهنگ و هنر، برای رژه بزرگد تخت جمشید که در حضور هزارو پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران شاهدش خواهیم بود، و سازهایی ساخته شده است که به خاطر ارزش و کیفیت و همچنین که در جشنهای شاهنشاهی دارد، معرفی میشود.

ترتیب چنین است که در رژه بزرگد تخت جمشید که در حضور شاهنشاه آرپامهر و سلاطین و روسای جمهوری و شخصیت های مهم جهانی برگزار میشود، همیور، شورانگهی شاهنشاهی ایران نشان داده شود برای بدست دادن این تصویر، سربرازان باید به شکل و هیات سربرازان این دوره هادارند و موزیک رژه هم از آلات موسیقی همان دوره باشد. برای ایکنار، باید تعقیقی درمیرفت و سازهایی که ریشه و اصالت کامل ایرانی داشته، باز شناخته میشوند.

استاد ابراهیم جباری سرپرست کارگاه ساز سازی وزارت فرهنگ و هنر بیاری گروهی که در این امر



طول ۴۸ سانتی متر و قطر دهانه ۳۵ سانتی متر.

در دهن کوبک و بزرگ ساخته میشود که نوع کوچک آن ۶۰ سانتی متر قطر دهانه و ۲۰ سانتی متر کلاف دور دارد و نوع بزرگ آن ۷۵ سانتی متر قطر دهانه و ۲۰ سانتی متر کلاف دور دارد. در حمال حاضر فرو رفته آن مورد استفاده نوازندگان محلی است. که در همه جا معمول است.

صحنه ۵

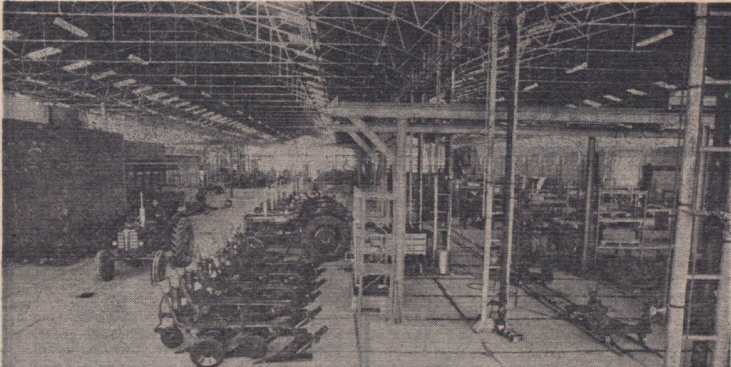


گورگه

روزشمار انقلاب سفید

روزشمار انقلاب سفید
۶ بهمن ۱۳۴۱
روز مردم با یکدیگر

روزشمار انقلاب سفید
۶ بهمن ۱۳۴۱
روز مردم با یکدیگر



- عطف هواری تهران - مسکو با ورود اولین هواپیمای روسی گشایش یافت.
- ۱۱ - آبان
- ساختمان مراکز تولید کارخانه های برق جدید در منطقه زغالسنگ خیز زرباب مازندران شروع شد.
- برای استفاده کارگران بسیار دو شبه رادیوئی از طرف بیمه های اجتماعی کارگری افتتاح گردید.
- ۱۲ - آبان
- درحضور شاهنشاه کارخانه مونتاز تراکتورهای شرکت ایرانی وسودی است گشایش یافت.
- قرار داد تکمیل لوله کشی شهر یزد مبلغ ۷۰ میلیون ریال برای تأمین آب آشامیدنی شهرستان یزد، به امضاء رسید.
- ۱۵ - آبان
- نخست وزیر اولین کلنگ ساختمان راه جدید شیراز به پوشر را بزمین زد.
- ۱۷ - آبان
- برای حمل سنگ های معدنی ساختمان یک اسکله ۱۹۰ میلیون ریالی جدید در بندر شاهرور آغاز شد.
- پرداخت وام ۱۴۰ میلیون ریالی به جایگاران شمال شروع شد.
- ۱۸ - آبان
- ساختمان کارخانه اطماقهای چوبی و فلزی برای انواع وسیله نقلیه با اعتباری مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال آغاز گردید.
- ۱۹ - آبان
- ساختمان سد خاکی هیرمند بطول دو کیلو متر در استان سیستان و بلوچستان شروع شد.
- کارخانه جدید سیمان دود شروع بکار کرد.
- ۲۰ - آبان
- در حضور شاهنشاه دانشکده پزشکی دانشگاه ملی در اوین گشایش یافت.
- یک مزرعه نمونه ۲۲ هزار هکتاری در خوزستان آماده شد.
- ۲۲ - آبان
- در تقعه یک درمانگاه مجهز بهداشتی شروع بکار کرد.
- ۲۳ - آبان
- در حضور شاهنشاه و علیاحضرت فرح پهلوی آموزشگاه تأییداتیان ورسا پهلوی، درکن گشایش یافت. این آموزشگاه که بصورت شهرستان حرفه ای اداره میشود ۱۱ میلیون ریال صرف ساختمان آن شده و دارای ۷ کارگاه - یک دیستان و یک دبیرستان و یک خوابگاه و سالن مخصوص موسیقی و کتابخانه میباشد.
- ۲۴ - آبان
- اعتبار احداث سد بیسور مبلغ ۱۳۹۹۹۰۰۰ ریال تصویب رسید. این سد در استان سیستان و بلوچستان ساخته خواهد شد.
- ۲۵ - آبان
- شاهنشاه دومین شرکت تعاونی توزیع صفی را که صد هزار عضو دارد، گشودند. شاهنشاه در این مراسم فرمودند:
- «انقلاب سفید ایران را که شروع کردیم برای ادامه سلطنت نبود، برای این بود که ملت ایران را در صف مقدم ملل مترقی و خوشبخت دنیا قرار دهیم - اصلاحات اجتماعی ایران ابداع و ابتکار فکری ایرانی بود.»
- ۲۸ - آبان
- اسفالت راه مردشت - شیراز پایان یافت.
- ۲۹ - آبان
- در حضور شاهنشاه و علیاحضرت فرح پهلوی بیمارستان ۵۰۰ تختخوابی بیمه های اجتماعی امفهان افتتاح شد. این بیمارستان ۳۷۰۰ متر مربع زیربنا دارد و ۶ طبقه میباشد و ۶۰۰ میلیون ریال برای احداث و تجهیز آن صرف شده و شامل بخشهای مختلف: درمانگاه واریجانه و بخش پریستریلیت بسیار - بخش عفونی - کودکان - آزمایشگاه و رادیوئی - سد داخلی - اتاق عمل - زایمان - استریلیزاسیون - بیمه های زنان - جراحی زنان - انگل شناسی - میکروب شناسی - خون شناسی و شیمی بویولی میباشد.
- ساختمان ۱۲۰ واحد خانه روستائی در کرمانشاه شروع شد.
- ۳۰ - آبان
- آموزشگاه حرفه ای جمییل آغاز بکار کرد.
- اول آذر ۱۳۴۳
- برای تکمیل مدارس حرفه ای کشور ۵۰۰ میلیون ریال تأمین اعتبار شد.
- ۲ - آذر
- بهره برداری از حلقه چاه عمیق در گلپایگان شروع گردید.
- ۳ - آذر
- در شهرستان قم بیمارستانی با ۴۰ تختخواب شروع بکار کرد.
- ۴ - آذر
- ساختمان دانشکده دندانپزشکی در شهرستان مشهد آغاز شد.

۱۲ آبان ۱۳۴۳ - کارخانه مونتاز تراکتور افتتاح شد

- قرار داد تکمیل لوله کشی آب آشامیدنی شهرستان رشت با اعتباری مبلغ ۴۲۴۷۸۰۰۰ ریال میآید شد.
- ۵ - آذر
- راه حسن کبیله بطول ۱۷ کیلو متر و عرض ۱۰ متر پایان یافت.
- ۶ - آذر
- مزرعه نمونه چای شمال در ۲۲۵۰۰ هکتار زمین افتتاح گردید.
- ۷ - آذر
- شرکت حمل و نقل دریائی ایران - پاکستان و انگلیس با سرمایه ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ روبیه تأسیس گردید.
- هفتاد میلیون ریال ماشین آلات از قبیل بولدوزر - گریدر - تریلو و تانکر برای حفظ راهها در زمستان خریداری شد.
- از طرف بانک کشاورزی شیراز ۶۵۲ وام مبلغ ۶ میلیون و ۱۳۹ هزار ریال بکشاورزان داده شد.
- ۹ - آذر
- فعالیت کشف بیشتر معادن نفت در بهی حکیکه و کرنج آغاز گردید.
- ۱۰ - آذر
- سد دستگاه اتوبوس برای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خرید شد.
- ۱۲ - آذر
- درجهاد شیراز و امفهان مراسم درختکاری بمل آمد و اینکار از شیراز تا امفهان ادامه خواهد یافت.
- لایحه سیاه آبادانی و ترویج تصویب رسید.
- ۱۴ - آذر
- شاهنشاه بنیامندگان مجلس فرمودند: «پیش از اصلاحات ارضی ۷۵ درصد جمعیت ایران حس آزادی که انسان آزاد باید داشته باشد نداشتند و نیم جمعیت مملکت از حقوق اجتماعی محروم بود - یکی از هدفها بالا بردن درآمد زارع کشور بود.»
- ۱۶ - آذر
- بیست میلیون ریال به منظور پرداخت وام برای ایجاد مدارس ملی اختصاص یافت.
- ۱۷ - آذر
- کوی سیزدگان بابل افتتاح شد در این کوی ۱۰۰ دستگاه خانه مجهز ساخته است.
- ۱۸ - آذر
- در کرمان یک درمانگاه ۶ مدرسه سپاهی داش، آغاز بکار کرد.
- ۱۹ - آذر
- در آمل پارک و باغ کودک گشایش یافت.
- ۲۱ - آذر
- قرار داد احداث تأسیسات آب آشامیدنی لوله کشی شهرستان سمنان با هزینه ۲۳۱۹۳۰۵۶ ریال میآید گردید.
- وزارت کشاورزی اعلام کرد تاکنون ۱۰۰۰۳ قریه بین ۳۴۴۰۷۱۰۳ خانوار زارع تقسیم شده است.
- ۲۳ - آذر
- یک هیات صنعتی هند برای مشاوره و همکاری با صنایع ایران به تهران آمد.
- ساختمان چاهد یاسوج در فارس بطول ۷۳ کیلو متر و با ۲۰۰ میلیون ریال هزینه آغاز گردید.

- ۲۴ - آذر
- ساختمان دو درمانگاه روستائی در زابل شروع شد.
- ۲۵ - آذر
- ساختمان ۲۲ باب خانه مستقبر با صرف هزینه ای مبلغ ۱۰ میلیون ریال در ۲۰ هزار متر مربع شروع شد.
- ۲۶ - آذر
- طرح بیمه کلی کارمندان دولت تصویب رسید.
- ۲۷ - آذر
- دستور تأسیس اولیه کارخانه کامیون سازی با ظرفیت ۴۰۰ کامیون در سال، صادر گردید.
- ۲۹ - آذر
- حملات عمرانی دشت قزوین با ۳۲۰ میلیون تومان اعتبار آغاز شد با این اعتبار ۴۰۰ حلقه چاه و ۴۰ هزار هکتار اراضی بایر آباد و سپس بین کشاورزان تقسیم خواهد شد.
- ۳۰ - آذر
- بیمارستان پنجاه تختخوابی رسا پهلوی و مرکز بهداشتی و درمانی سوسنگرد واقع در مرکز دشت سیستان گشوده شد.
- ۱ - دی ۱۳۴۳
- محل دقیق ساختمان تأسیسات هیدرو تکبیک رود ارس معین شده درحال حاضر برای ساختن سد ارس دو بل موقت زده شده است.
- ۲ - دی
- همکاری در هزار سیاهی دانش و افراد ارتش شاهنشاهی و سپاهیان ترویج و آبادانی برای کمک به اجرای مرحله دوم اصلاحات ارضی در سراسر کشور شروع شد.
- دولت هند به اتفاق دو شرکت آمریکائی و ایتالیائی امتیاز یک منطقه نفتی ایران را بدست آورد. سه شریک مجموعاً ۵۸ میلیون دلار سرمایه گذاری خواهند کرد.
- ۳ - دی
- متن فرمان شاهنشاه درباره تشکیل کمیته ملی بیکار جهانی بسا بیسوادان انتشار یافت.
- ۴ - دی
- آموزشگاه درباره تأسیس موسسه بنیاد فرهنگ ایران برای تهذیب و ترویج زبان فارسی فرمانی صادر کردند.
- ۵ - دی
- خدمت رسمی اولین دوره سپاهیان بهداشت شامل ۵۵ واحد پزشکی و ۱۲ واحد آزمایشگاهی برای تقسیم بهداشت در روستا های دور افتاده ۸ استان کشور، شروع شد. هر واحد سپاهیان بهداشت ۱۰ تا ۲۰ دهستان را مراقبت میکند.
- ۶ - دی
- ساختمان سه مرکز جدید آشنائی در تهران شروع شده این مراکز درمنطقه بازار، منطقه باغ فردوس و منطقه شاهرضا میباشد.
- راه کرج - حاجی آباد که بوسیله گردان مهندسی لشکر گارد احداث شده بوده گشوده شد. این راه ۲۹ کیلومتر طول دارد و ۹۱۷۰۵۰۴ ریال هزینه آن شده است.
- ساختمان جدید ادارات کل بیمه های اجتماعی در خیابان آریزهاور افتتاح شد
- ارتباط تلفنی اهواز و شهرکرد رسماً دایر شد.

تاریخ، توجیه کننده جشن شاهنشاهی ایران است

بیستونین قرن استقلال شاهنشاهی ایران سابقه و توجیه
نیروی ملی خاصی دارد است که گمگشتگان را به امید شاهنشاهی
منتد از این لحاظ برای ما و برای دنیا اهمیت دارد که پایه آن
برزاد ششی و عدالت اجتماعی و آزادی حقوق و مستندات افراد
و احترام به سنن ملی نهاده شده است ...
از فرمایشات شاهنشاه آریابهر

موقعیتی نادر برای تجلی ...

بقیه از صفحه ۱
فره و درتنام تیرهها، اگر شیوهای دقیق نظامی کوروش،
در طرح نقشه‌های جنگی بدست‌نیست، اما از روی آنچه یاقی
مانند است، در اختیار ماست حتی از شرح‌های افسانه‌آمیز
یاققرن بعدی بخوبی نتوری کوروش برای جنگ و شیوهای
کلی بکارنرسن، بدست می‌آید. کوروش بزرگ، در مقام
فرماندهی سرداری، و مستقیم و سازمانده صلاح بود. ابراهام
جنگی کوروش، که تاکید شده است او خود میگرد آن بود،
نوعی ماشین جنگی بشار می‌آید که در آن همه است،
برای تأمین پیروزی یکنواخت درمی‌آید. سوار، اسب،
و چرخ‌های چینه‌شده پادشاهی چندبر.

و نیز کوروش به قدرتی از روی غریزه خویش‌ریزی
نمی‌اندیشید، و او به‌جنگ همچون وسیله‌ای برای پیروزی
اندیشه میگرد که باید در آن، کمترین آسیب، پسیما و وارن
و مستقاتش برسد و دشمن که تنها در یک مرحله، دشمن بود،
با کمترین آسیب، و خسارت از یادآید و در تله‌های و ادعای
جنگی، می‌بیند و کمترین سرزمین، بعنوان میدانگاه جنگ
دچار خسارت و ویرانی گردد.

کنام سردار بزرگ را پس از کوروش می‌شاید که
این اندیشه به‌قدرت آدمی، و به‌گونه‌ای که در روزگار جنگ
جنگ دست آورده‌های خودی و دست آورده‌های بیگانه طرف
خود، و نیز خاطر نامور باشد؟ کوروش بزرگ، بر این
منوال، واضح دانش جنگی، واضح استراتژی بود، و در تمام
جنگ‌هایش، که در شرق و غرب آسیای میانه، کرد، و تا مرزهای
ایرانی را زیر فرمان آورد عمر ساردگی و سامان‌بخشی بود،
تعمیراتی صلح و آرامش‌رقله‌ر و تصرف‌شده، چندین پیش از
جنگ، و درگیری نظامی بود، و از پی سپاه او، با رهزاه
سیاه، سازندگان راهها و خاهاها، حرکت می‌کردند
بایدنابلت فرسخ رسته‌های رابطی بین اقوام و سرزمین‌های
قلمرو شاهنشاهی را بهم وصل کنند، و راه عبور کاروانهای
بازرگانی، کاروانهای کالا و مسافر، راه هوایر و این‌سازند،
و در شاه‌ها، جابجایی و آسایشگاه پدید آورند.

در بنیادگذاری علمی جنگی، کوروش بزرگ، که
جنگ را ناصح فقیم پهره‌وری منطقی از یک وسیله بر
سینک به‌شدت تغییر داده بود، هم‌ه‌رواح استفاده سخت
و جنگ، و یارگرایی و ایجاد حریف و کشتار عام، و پادمان
زندگی خود بخاطر تمهید چنین مسخه، که رسم و فخر
روزگار بود، و در ادعای آن، توحش و اطفاء فرخ‌های
نهفته عساکرنک، دست داشت، می‌کوشید تمام امکانات، برتری
اندیشه و عقل و دانش خود را بیاری کرد، و آنها را چنان
در جهت پیروزی برحرف بکار برد، که هرگز فرصت
کشتارهای جسمی پیش نیاید، و فرور فتح، عسایر بر تمدن و
عسایر بر خرد را باعث شود.

اینگونه بود که کوروش بزرگ چنان پیروزی‌های
درخشان را، با پیوند نظامی خویش، آسان فرموده بود،
و به‌هرهر و سرزمین که قدم گذاشت، مردم، او را به‌چشم
رواننده، و مسیح، و آزادی‌بخش، نگاه کردند، در او، نشانی
از ذخیعی و خویش‌ریزی نبود.
کوروش چنین بود، و برای آنکه نیک‌بویست‌آبادی
و دانش نظامی وی، بی‌پیشانی است، به‌هررسی پاره‌ای
شیوهای او به‌رادران، در استراتژی جنگ کوروش، جنگ
سرد، مقام مهمی داشت، این حرب باچنان ظرافت و توانایی،
بکار گرفته میشد که هیچ قدرت حاکم و فرمانروا، در
برای آن یاری مقاومت نداشت، و راز این پیروزی
پیش‌گشت جنگ سرد، در تلفاتی بود که کوروش، در
دفاع از تمدن، و تیره‌های سازنده تمدن و حرمت پادشاهان
از هرتیر که می‌خواهد باشد، بنا معتقد بود، و این اعتقاد،
در رفتار خود، نیز، بی‌دوستان و همراهانی که از میان
پارسی‌ها و از میان سرزمین‌های مختلف، برگزیده بود، همان
اندیشه، صادق بود، که پس از هرتیج، با مردم‌ها سرزمین
گشاده شد ...

روزنامه جشن شاهنشاهی

سخن از ۲۰۰ سال تاریخ آریابهر، تاریخ مدون و مستحضر از

افتخار و پیروزی،
دواین ۲۰۰ سال، ملایحه و در تفسیر و تفسیر تاریخ، دچار
حوادث و دگرگونی‌های گردیده، که هر یک از این حوادث برای محو
و نابودی ملت‌های، کافی بوده است، نیروی موجود در روحه
و افکار ملی آریابهر، آن نفوذات ایزد خدای که در فکر و روح
همه مردم وطن‌ها و نقش‌آفرین استقلال و پایداری است که در برابر
هر سختی، پای برای پیروزی ساخته است.

آنچه از تاریخ ثبت ایران بدست می‌آید، حاصله است از
مجاهدتهای مردمی که سراسر تاریخ را با قیامتهای درخشان آزادی
آزادگی مسخون ساخته‌اند، شاهنشاه در این باره می‌فرماید:
«تاریخ چند هزار ساله کشور من که دویز بزرگترین پاره‌ای اتوری
چنان را تشکیل میدهد بخلاف بسیاری از موارد مشابه تاریخ یک
سلسله کشورگشاها و قتل و غارت‌ها و دروغ‌نویسی نیست، و بخاطر این
است که پیش از هر چیز بر پایه حقیقت و آزادی استوار است»
همین تاریخ، موج و آفریننده یک سلسله اختراعات برای
مردم سراسر دنیاست بوده است و این سختی است که در دوره اسلامی
و به‌کام خود در زندگی بایک امپراتوری بزرگ نمود و ملموس است.
از روشنت، این آخرین انسان عصر هزاره قبل میلاد
آغاز می‌کند که نبوغ ذاتی و طریقی آسمانی در سراسر تاریخ جهان
نیطیبت است، دوست هوراسال قبل از میلاد مسیح ضمن تعلیمات
خود گفت که:

«دینا را دورترین یورپ یکی «پروانه» دیگری «هریمن»
اداره میکند و زندگی سعادتمند خود با پاهای نیک و گنجاندنی و
کرار نیک میسر نیست» نفوذ و تاثیر این فلسفه عالی در ملایحه
دیگر بودیادت، درست دموعار و پانصد سال قبل، به‌کام آغاز

و چنان دقیق بکار می‌بردست مبنای اعتقاد و اندیشه آن سردار
و شاهنشاه نام آور بود، و از هر جنبه که سربده می‌کنند،
نیوت طرح نقشه‌های جنگی آریابهر، انتخاب راه و میدان
درگیری میسرید، و در دین همه، و هیچ‌یک بکارت از کوروش،
که با یک نظر بهترین راه را انتخاب می‌کرد، و چنان‌روشی
برای حریف پیش می‌آورد که در هر موقع قرار گیرد، حاصل
کارش شکست و نابودی باشد که دشمن، تا پیوند حاصل
در انتخابت موحش، و آرایش جنگی، مستحوش تردید میشد،
و همین تردید، او را با یک‌کام سریع میبرد.
در آراستن جبهه، نیز کوروش پیوسته شیوهای ابداعی
داشت، او میدانست از کجا و چگونه نیروی خود را که
آراسته بود، بسوی دشمن روانه کند، و این دانش و برتری
برمیسان، سومین مرحله دانش جنگی کوروش بود، و چهارمین
پهره‌گیری، از دانش نظامی، در نحوه استفاده از سلاح و
ابزار معنی درجه‌های مختلف بود، و زیرکی‌ها و چریبستی
های کوروش، درین مسخه گران‌بانی، و تعیین کردن نوع
سلاح که باید در مقابل جبهه معنی از دشمن، یا در میدان
معین، فاتح جنگ باشد، پیوسته نبوغ کوروش آشکار میشد.

و همین اندازه، که کوروش، به‌باکالی از وضع و
امتیازها، و وضع‌های دشمن آگاهی داشت و به‌کسب خبر از
جبهه حریف اهمیت می‌گذاشت، در درون سپاه خویش نیز به
اوضاع بصیر بود، و او بود که فضای فکر و وجدان، و عمل
سپاه را پیشانی می‌ساخت، و با برتری فوق تصور، بی‌آنکه
وجود و ارادش را بر سرپاهاش تحمیل کند، در راه
و اندیشه آنها نفوذ می‌کرد و آنچه را میخواست، با آنها
می‌مویخت، و پیوسته یقین داشت، سپاه وی آن خواهد گشت،
و آن خواهد کرد که او می‌خواهد، و این پنجین نتیجه‌ت،
در نوع خود، بهترین بود.

کوروش، با احاطه کامل به دانش جنگی، پیوسته چنان
قدرتی برخوردار بود که زمان جنگ را او تعیین می‌کرد
و تا او زمان را تعیین نمی‌کرد، حریف، جسات دامن‌زدن
و به‌جنگ نداشت، تنگین که باید شایه سپاه قدرت کرد
تا به‌صحات شاه مانع، که چون نیروی رسیده بامان کوروش
بزرگ افتاد، با سردار نام‌آور ایرانی بجنگد، کوروش، بوی
مهات ندانست، که نقش‌اش را بر پیاده کند، و میدان جنگ
را او بود که انتخاب و به‌حرف آماده شده برای جنگ و
دفاع از نظام محکوم بنفای آن عصر، در تحمیل کرد، و اگر
جز این می‌کرد، هیچ پیدا نبود، میزان آسیب‌پذیری سپاه‌ها
و سرزمین‌ها چه اندازه فرایب می‌یافت.
باینکه کوروش، راه را گشود، و پایه و اساس استوار،
برای دانش نظامی، گذاشت، کوشید جنگ را نیز، تابع
قواعد و اصول منطقی و دارای ضابطه عقلی کند، پس از وی،
دنیا سرداری بخود ندید، که فاتح بزرگی باشد، و چنگ‌ها
به‌صخت صلح بگمارد، جنگ‌ها را برای غارت و چاول‌فروخته
جنگ را برای ویران کردن تمدن‌ها، و برای اسیر کردن
ملله دامن‌زنده، جنگ را برای قتل‌عام و کشتار جمعی
تجویز نکند.

از اروپا، پیش از دوقرن پس از کوروش، اسکندر
برخاست، و تاریخ امتناع ندارد که شیوهای حیجان‌انگیزی
این سردار پیروز دست را از مرزین، نقل کند، او، در روزهای
زین آن آسیا را پسپاه گرسنه خویش مینمود و فرمان حمله
میداد تا بتواند خود غارت کند، و زنان و دختران زنیای
آسیا را، و ثروت انباشته در دین قاره خویش کند، و بر پیاده
و قتل‌عام و کشتارها و حوادث سخت و تابع که در آنها
کشتار عقل و بیشتر غریزه پیروز جنگی اسکندر هم‌راه بود،
همه گواه است که دنیا، دوقرن و نیم بعد چه اندازه به‌فترقا
رفته بود، و در دوران سرتیج، سردار دیگر اروپا، با اصل
همین بود، عنصر برتری‌جویی جنگ بود، باید آلت‌و‌نحوه
بخاطر شرقی بودنشان بدنام هستند، و در نهایت هجوم آنها،
بر سرزمین‌های تمدن، پامهات هریم، بزرگترین سرداران
تاریخ تا عصر ما، فرق فاحش نداشتند است.

شماره چهاردهم

دوران اشعبار و در راه‌های درخشانت تمام ایران، و برهان سپهسالار
کوروش بزرگ، با دستور معروف و آزادی‌بخش خود، مروجت راهی و
آزادگی قوم بود، در برابر کوروش استوار و دستور می‌دهد که
به‌جنگ از اتباع و اسب بودی گردنی است، که در «اکبر»
این برخلاف اصول انسانی و حقوق بشری است، و باین‌نحو نام
گردد، بنام پاسبانی است، در کتاب قوم بود، بهمان نیکی و
احترام و تقدسی که در هنگام لغز نام ایلدیه می‌آید، برده شده و از
در بنفان ناجی و سنگدل سازنده این قوم یاد میشود و سپس
در دموعار چهارم‌سال قبل نام داروی شاهنشاه بزرگ ایران
این کلمات بر که بیستون کشف میشد که هنوز همست:
«خاندان کشور ایران را از دشمن و از غنمی و از دروغ
نگادارده. این کلمات هنوز کشف‌نیافته و هم‌اکنون زنده است،
نه تنها در کوه بیستون و کتیبه‌داری است، بلکه در لوب آریابهر است،
پیوسته در جستجوی حقیقت می‌باشند، اینها، و نشانه‌ها و معارف
ملیت قومی است که ۲۰۰ سال تاریخ عمواره نشان داده است
که جز گسترش آندیشه نیک و اشعاف دانش بشری و تقسیم عقل
و انصاف و در سراسر جهان نظری ندارد.

اینک ملت ایران برای بزرگداشت خاطره این افتخار آفرینان
و پیروزی‌های بزرگ تاریخ ملت‌ها، می‌رود از حد مسلم دل دربر آریابهر
هرچه باشد که ۲۰۰۰ سال پیشانگاری تاریخ شاهنشاهی ایران
شکر کند، و انگیزه شرکت می‌خواهد خود را در این جشن، همین
مسائل ایلامی و چنان‌گشتار پادشاهان تاریخ قدیم خود میداند
و اطمینان دارد باین‌جه که دنیا، امروز تاریخ و فرهنگ گین‌ایران
دارد و مردم و سواد کشورها شاهنشاه تاریخ خود را در لایله یاد
و مسامحه‌های امپراتوری ایران بزرگ، در انجام استقلال و پایداری
ملل آن کشورها یافته‌اند، این جشن، جستی درخورد و قابل
ستایش خواهد بود.

کوروش، آن سردار و واضع دانش جنگی، این‌حربه
و سلاح را در خدمت تمدن گذاشت و امروز نیز نزد ای
برای دنیا، بسیار فراگرفته‌های تازه هست، اگر سلاح
تغییر کرد، اما انسان کارگزار و کارفرمای سلاح، در حد
کتاب است، تغییر کرده است، و در چنین بنیادگذاری
شاهنشاهی دنیا اختراع دارد و باید با تفاهلی انسانی که
کوروش آن سردار برای قسب تاریخ تمدن برای جنگ و برای
گماندن جنگ به‌صخت صلح و تمدن و توسعه روابط،
و دفاع از آزادی انسان، و حقوق اسرار و بردگی عنوان
و اقوام ابداع کرد، آشناتر بود، و این‌صورت، را، در دانش‌های
نظامی، تدریس و تعلیم کند، دنیا امروز بیش از هر زمان
به‌اندیشه‌های ناب کوروش بزرگ نیازمند است، و جشن‌های
ما، برای تجلی پیشین این اندیشه‌هاست.

کولبار تجربه گرانهای داریوش

بقیه از صفحه ۱

زیردستی برای زیردستی نهند.
آنچه است، آن پسند من است. من دروغگو نیستم.
و من دروغگو دوست نیستم. و من کینه‌جو نیستم. آنچه‌ما
شکم‌نیکم از آن سخت نیززم، و بر تنستی خود چرم‌ام.
هر که بکشد، در برابر کوش خود پادش باید، و هر که
بلفظ، و در کوش گناهی، و مجازات‌نشد، پسند من نیست که
هیچکس باید بخورد. و باز پسندین نیست که بدنها بی کتیر
به‌اند. آنچه‌کسی در نهایت کوش خود بسود دیگران کند،
من از آن خرسند و خوشدین و از این، بزرگ است، و از
آن دشمنای ابرم.

اگر در پیش خود من، پیدا نماند تا چه‌کس را دوست
باشم و چه‌کس را دشمن بدارم، آنگاه به کارهای نیک او
می‌اندیشم که او، دشمن یا یک دوست است که در پیش خود
دارم.

«از کتیبه داریوش بزرگ، در نقش‌رستم»
زندگی، به‌گذرگاهی بی‌پایان می‌ماند که سهر انسان،
تا کزیر از بی‌موند ساختی از آن است. و در این گذرگاه، نور
و تاریکی، درهم آمیخته است. و در این گذرگاه همان پایه
امکان سلامت است که امکان لغزش است، و انسان که
رنگار تا کزیر این رنگار است، و روزها و روزها و روزها،
از تیریه‌ها، توش می‌اندوزد، و آنها را در کوله‌بار خود
می‌انبارد و چون به‌نقطه‌ای رسیده که توانا، و دیگر از ادامه
رامدوریدن، و دوش او، از تحمل سنگینی کوله‌بار روزها
و محال و سولها، بازمانده است، در نقطه‌ای می‌ایستد. و در این
مجاها، زمین مادی، و کوهزانی پیدایش‌او، کام‌خوردن‌ها
و دیوهای خود را با زبسی میگرد. اما جاده، اما گذرگاه،
ادامه دارد. در نقطه‌ای که انسان، به مرز میان هستی و نیستی
خود رسیده، درنگ کوتاهی میکند، آنان که در مرش ایشان
تراهی فرود آمدند، و کوه‌باران از پلییدی گران‌بانی است، با
هراسی عظیم خود را به‌کام بر می‌سازند. می‌اندیشند که
از آبخورد تیریه‌های آنان، بهره‌میرد باشند. اما آنان که
دارای گوهری تابناک و منشی‌گشا هستند، در لحظه‌ای بدو،
کوله‌بار خود را، که از روز واران پیش، را با تجربه‌های
خودرا در آن گرد آورده‌اند، در نوردان دیگری می‌سازند.
ناریوش بزرگ، راه شاهان، در رنگار خود،
آچه‌را که به‌نیروی اهورائی و یساری اندیشه‌ی‌والا، از راز
حیات دریافته، در این کتیبه، تصویر میکند. او باین‌بندگی
انسان، و بی‌انداری هشتر را به‌آمیزدگان یادآوری می‌کند
و آنان را بسوی روشنی، بسوی دوستی، بسوی حقیقت
رهمنون می‌کند، باین‌جه که او نمی‌تواند دیده‌ک ناحق، برحق پیروز
شود و یا بدی بر نیکی چیرگی یابد. او یساری نیکی‌ها،
در زندستان، و در حقیقت‌مشاهدات و از دیگران هم، تلوینا
می‌خواهد که ادامه عقیده او باشند. و در این کتیبه،
از زندتیرین‌سرها، در کمین‌خود، و به‌آمین می‌آموزد
آنان را در گزشتن دستان، نیکان رهبر می‌آید. سپاس‌همی
اندیشه‌های والا و نازاها.

